



تحلیل گفتمان تاریخ‌نگاری در کتاب‌های دانشگاهی تاریخ ایران (از روایت سیاسی تا روایت تمدنی)

عباس رهبری

استادیار، گروه آموزش معارف اسلامی، دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران.

نویسنده مسئول: azsazs45@gmail.com

اطلاعات مقاله	چکیده
تاریخ‌ها: دریافت: ۱۴۰۴/۰۸/۱۰ پذیرش: ۱۴۰۴/۱۱/۳۰	پژوهش حاضر با هدف تحلیل گفتمان تاریخ‌نگاری در کتاب‌های دانشگاهی تاریخ ایران و واکاوی گذار از گفتمان مسلط «تاریخ سیاسی» به «گفتمان تاریخ تمدنی» انجام شده است. با بهره‌گیری از رویکرد تلفیقی تحلیل گفتمان (مدل سه سطحی فرکلاف و رویکرد تاریخی ووداک) و با تکیه بر نظریه دگرگونی گفتمانی، ۲۰ عنوان کتاب از انتشارات سمت (۱۰ عنوان تاریخ عمومی و ۱۰ عنوان تاریخ فرهنگ و تمدن) طی دو دهه اخیر (۱۳۸۰-۱۴۰۳) به صورت هدفمند انتخاب و با استفاده از چک‌لیست ترکیبی (شامل شاخص‌های کمی و کیفی) تحلیل شدند. یافته‌های کمی نشان می‌دهد که میانگین درصد فصل‌های تمدنی در کتاب‌های تاریخ عمومی ۲۴٫۳٪ و در کتاب‌های تاریخ فرهنگ و تمدن ۹۵٫۷٪ است. در کتاب‌های تاریخ عمومی، میانگین درصد فصل‌های تمدنی از ۲۰٫۸٪ در دهه ۱۳۸۰ به ۳۶٫۱٪ در دهه ۱۳۹۰ افزایش یافته است که نشان‌دهنده «گذار تدریجی و ناقص» از گفتمان سیاسی به سوی گفتمان تمدنی است. یافته‌های کیفی نیز تفاوت معناداری در نقطه آغاز روایت، شخصیت‌های محوری و الگوهای تبیین علل در دو گونه کتاب را نشان می‌دهد. تحلیل ۴۳۹ مدخل از کتاب مآخذشناسی نیز مؤید غلبه نسبی گفتمان تمدنی (۵۸٪) در بدنه پژوهش‌های تاریخی معاصر را تایید می‌کند.

استناد: رهبری، عباس (۱۴۰۴). تحلیل گفتمان تاریخ‌نگاری در کتاب‌های دانشگاهی تاریخ ایران (از روایت سیاسی تا روایت تمدنی). پژوهش و نگارش کتب دانشگاهی، ۲۹ (۵۷)، ۹۶-۶۵.

<https://doi.org/10.30487/rwab.2026.2079447.1673>

© ۱۴۰۴ (۲۰۲۶) نویسندگان مقاله، نشریه پژوهش و نگارش کتب دانشگاهی، ناشر: سازمان مطالعه و تدوین کتب دانشگاهی در علوم انسانی (سمت).



University Textbooks, Research & Writing

Vol. 29, Issue 57
Autumn & Winter 2026
Print ISSN: 2676-7503
Online ISSN: 2676-7511



The Evolution of Historiographic Discourse in Academic Textbooks of Iranian History (From Political Narrative to Civilizational Narrative)

Abbas Rahbari 

Assistant Professor, Department of Islamic Studies Education, Farhangian University, Tehran, Iran
Corresponding author: azsazs45@gmail.com

Article Info

History

Received: Nov. 1, 2025

Accepted: Feb. 19, 2025

Keywords

History of Iran
Political history
History of
civilization
Discourse analysis
Academic book

Abstract

The present study aims to analyze the historiographic discourse in academic books on Iranian history and to explore the transition from the dominant discourse of "political history" to "civilizational history discourse." Using an integrated approach to discourse analysis (Fairclough's three-level model and Wodak's historical approach) and relying on the theory of discourse transformation, 20 book titles from Samt Publications (10 general history titles and 10 history of culture and civilization titles) over the past two decades (1380-1403) were purposefully selected and analyzed using a combined checklist (including quantitative and qualitative indicators). Quantitative findings show that the average percentage of civilizational chapters in general history books is 24.3% and in history of culture and civilization books is 95.7%. It is worth noting that in general history books, the average percentage of civilizational chapters has increased from 20.8% in the 1380s to 36.1% in the 1390s, indicating a "gradual and incomplete transition" from political discourse to civilizational discourse. Qualitative findings also show significant differences in the starting point of the narrative, central characters, and patterns of explanation of causes in the two types of books. Bibliographic analysis (439 entries from the book "Makhaz Shenasi", 2019) also confirms the relative dominance of civilizational discourse (58%) in the body of contemporary historical research. This study, by providing evidence of the coexistence and competition of the two political and civilizational discourses in academic books, highlights the need to review the policy-making of history textbooks.

Citation: Rahbari, A. (2026). The Evolution of Historiographic Discourse in Academic Textbooks of Iranian History (From Political Narrative to Civilizational Narrative). *University Textbooks Research and Writing*, 29(57), 65-96.
<https://doi.org/10.30487/rwab.2026.2079447.1673>

© 2026 Authors, University Textbooks Research and Writing.

Publisher: Organization for Researching and Composing University Textbooks in the Humanities (SAMT).

مقدمه

کتاب‌های درسی دانشگاهی، حلقه اتصال سنت علمی یک رشته با نسل جدید دانشجویان و از مهم‌ترین ابزارهای جامعه‌پذیری علمی و انتقال هنجارهای پژوهشی به شمار می‌آیند (راستی و رزمجو، ۱۴۰۳، صص ۹۳-۱۱۵). این متون صرفاً مجموعه‌ای از اطلاعات سازمان‌یافته نیستند، بلکه «متن‌های گفتمانی» اند که با انتخاب موضوعات، صورت‌بندی مفاهیم و نحوه روایت گذشته، در ساختن ذهنیت علمی، حافظه تاریخی و هویت جمعی دانشجویان دخالت مستقیم دارند (Apple, 2018, p. 45؛ زندی، ۱۴۰۳، ص ۳۴۸). از این رو تحلیل کتاب‌های درسی، علاوه بر ارزیابی کارایی آموزشی، دریچه‌ای به سوی شناخت جهت‌گیری‌های گفتمانی آموزش عالی در هر دوره تاریخی می‌گشاید (مازندرانی و همکاران، ۱۴۰۲، صص ۱۱۶-۱۴۲).

کتاب‌های درسی در حوزه تاریخ اهمیت زیادی دارند چون تاریخ یکی از میدان‌های اصلی تولید معنا درباره گذشته جمعی، هویت ملی و جایگاه ما در جهان محسوب می‌شود. تاریخ‌نگاری دانشگاهی در ایران، همچون بسیاری از کشورها، طی سده اخیر عمدتاً زیر سیطره روایتی قرار داشته‌است که بر دولت‌ها، سلسله‌ها، جنگ‌ها و تحولات قدرت تمرکز دارد؛ روایتی که در این پژوهش از آن با عنوان «گفتمان تاریخ سیاسی» یاد می‌شود (معتمدی، ۱۳۹۱، صص ۱۱۱-۱۳۱). در دهه‌های اخیر، همسو با تحولات جهانی تاریخ‌نگاری و گسترش رویکردهایی مانند تاریخ اجتماعی، تاریخ فرهنگی و تاریخ علم، توجه فزاینده‌ای به ابعاد تمدنی و زیست‌جهان جامعه ایرانی - شامل فرهنگ، اقتصاد، علم، هنر، نهادهای آموزشی و شبکه‌های ارتباطی - پدید آمده‌است؛ گرایشی که می‌توان آن را به مثابه «گفتمان تاریخ تمدنی» صورت‌بندی کرد (فرکلاف، ۱۳۷۹، ص ۴۵؛ عباسی، ۱۳۹۳، ص ۱۲).

کتاب‌های درسی تاریخ در دانشگاه‌ها دقیقاً در نقطه تلاقی این دو گفتمان قرار دارند. از یک سو به سنت ریشه‌دار تاریخ‌نگاری سیاسی و آثار کلاسیکی چون تاریخ‌های سلسله‌ای و سیاسی متکی‌اند و از سوی دیگر، تحت تأثیر نیازهای تازه نظام آموزش عالی، سیاست‌گذاری‌های فرهنگی و دستاوردهای پژوهش‌های جدید، در تاریخ تمدن و تاریخ علوم قرار گرفته‌اند (جان احمدی، ۱۳۹۸، ص ۵؛ زرگری نژاد، ۱۳۹۵، ص ۳). در نتیجه، این پرسش اساسی مطرح می‌شود که میان دو گونه کتاب «تاریخ عمومی» و «تاریخ فرهنگ و تمدن» از نظر بهره‌مندی از مؤلفه‌های گفتمان سیاسی و گفتمان تمدنی چه تفاوت‌هایی وجود

دارد و آیا در کتاب‌های تاریخ عمومی منتشر شده در بازه‌های زمانی متفاوت، نشانه‌هایی از «گذار تدریجی» از گفتمان سیاسی به سوی گفتمان تمدنی قابل مشاهده است؟

پژوهش‌های داخلی که به بررسی تحولات کتاب‌های درسی پرداخته‌اند، غالباً بر سطح مدارس تمرکز داشته و موضوعاتی چون تغییر ساختاری کتاب‌ها، توزیع دوره‌های تاریخی، بازنمایی مفاهیم ملی و دینی و نقش این متون در ساختن تصویر «خود» و «دیگری» را بررسی کرده‌اند (تریان و آزاد، ۱۳۹۴، صص ۱۲۱-۱۴۰؛ فرامرزی و همکاران، ۱۴۰۰، صص ۷۷-۹۲). این مطالعات، با اتکا به تحلیل گفتمان و تحلیل محتوا، نشان داده‌اند که کتاب‌های درسی تاریخ، اغلب روایت‌هایی خاص از ملت، دولت و دیگری را بازتولید می‌کنند و در خدمت گفتمان‌های مسلط سیاسی و ایدئولوژیک قرار می‌گیرند (Apple, 2018, p. 78). با این حال، کتاب‌های دانشگاهی تاریخ، که نقشی کلیدی در تربیت متخصصان و پژوهشگران این رشته دارد، از منظر گفتمانی، به‌طور نظام‌مند واکاوی نشده‌است و بیشتر پژوهش‌ها به نقد محتوایی یا آموزشی یک یا چند کتاب محدود شده‌اند (جهان و همکاران، ۱۴۰۲، صص ۱-۳۵؛ رحیمی نژاد، ۱۴۰۳، صص ۱۸۹-۲۱۵).

همچنین تمرکز غالب این مطالعات بر دوره‌های پیش‌ازدانشگاه و ابعاد آشکار ایدئولوژیک بوده و تحولات گفتمانی در متون دانشگاهی - که مخاطبان آنان پژوهشگران و متخصصان آینده رشته تاریخ هستند - را کمتر موضوع پژوهش قرار داده‌اند. از سوی دیگر، پژوهش‌های مستقلی که به‌طور خاص به «سنجش نسبت و تعامل دو گفتمان سیاسی و تمدنی» در این متون پرداخته و آن را در چارچوب نظریه‌های تحول گفتمان و پارادایم تحلیل کرده‌باشند، بسیار اندک و پراکنده‌است. این خلأ، هم در سطح نظری (فهم پویایی‌های گفتمان علمی در ایران) و هم در سطح کاربردی (سیاست‌گذاری برای تألیف و بازنگری کتب درسی) احساس می‌شود.

در سطح نقد و ارزشیابی کتاب‌های دانشگاهی، مقالات متعددی در فصلنامه «پژوهش و نگارش کتب دانشگاهی» به معیارهای سنجش کیفیت آموزشی، ساختار، زبان و مناسبت محتوای کتاب‌ها پرداخته و چارچوب‌هایی برای ارزیابی کتاب‌های چاپی و الکترونیکی پیشنهاد کرده‌اند (بابائی و زارع رمشتی، ۱۴۰۲، صص ۱۷۴-۲۰۴). با وجود ارزش این مطالعات، تمرکز اصلی آن‌ها بر جنبه‌های آموزشی، ساختاری و شکلی است و لایه‌های عمیق‌تر معنایی و گفتمانی در متون تاریخی دانشگاهی، کمتر به‌طور مستقل صورت‌بندی شده‌است (فانیدپور و آبیاری، ۱۴۰۲، صص ۸۵-۱۱۸). از سوی دیگر، در ادبیات نظری و بین‌المللی، تحلیل گفتمان و

به‌ویژه تحلیل گفتمان انتقادی و تحلیل گفتمان تاریخی، به‌عنوان رویکردهایی کارآمد، برای مطالعه کتاب‌های درسی تاریخ و نقش آن‌ها در بازنمایی قدرت، ایدئولوژی و روایت‌های ملی به کار گرفته شده است (Apple, 2018, p. 102؛ فرکلاف، ۱۳۷۹، ص ۵۶؛ ووداک، ۱۳۸۲، ص ۳۴). این مطالعات نشان می‌دهند که تغییرات ظاهراً کوچک در زبان، واژگان و ساختار روایت کتاب‌های درسی، می‌تواند نشانه جابه‌جایی‌های مهم در گفتمان‌های تاریخی باشد و در فرایند ملت‌سازی و هویت‌سازی نقش آفرینی کند (تریان و آزاد، ۱۳۹۴، ص ۱۳۵). می‌توان از ظرفیت این چارچوب‌ها در بافت ایرانی، به‌ویژه برای فهم تحول از تاریخ‌نگاری سیاسی به تاریخ‌نگاری تمدنی، بهره‌برد (باقریان، ۱۴۰۳، ص ۲۳).

بر این اساس، پژوهش حاضر با تکیه بر رویکرد تحلیل گفتمان (فرکلاف، ۱۳۷۹، ص ۴۵؛ ووداک، ۱۳۸۲، ص ۲۸) و بهره‌گیری از نظریه تحول گفتمان در فلسفه علم، در پی آن است که سیر تحول گفتمان تاریخ‌نگاری در کتاب‌های دانشگاهی تاریخ ایران را در دو دهه اخیر واکاوی کند و نسبت میان دو گفتمان «تاریخ سیاسی» و «تاریخ تمدنی» را در این متون نشان دهد. برای دستیابی به این هدف، پژوهش حاضر از رویکرد تلفیقی تحلیل گفتمان بهره می‌برد. در سطح خرد و تحلیل متن، از مدل سه‌سطحی نورمن فرکلاف (فرکلاف، ۱۳۷۹، ص ۵۲) شامل سطح توصیف (واژگان، ساختار دستوری و روابط میان جملات)، سطح تفسیر (کنش‌های گفتمانی و پیوند متن با موقعیت) و سطح تبیین (ارتباط گفتمان با ساختارهای قدرت و ایدئولوژی) استفاده می‌شود. در سطح کلان و بررسی تغییرات در طول زمان، از رویکرد تحلیل گفتمان تاریخی روث ووداک (ووداک، ۱۳۸۲، ص ۴۱) بهره گرفته می‌شود که بر شناسایی راهبردهای گفتمانی (مانند نام‌دهی، محمول‌سازی، استدلال‌ورزی و دیدگاه‌سازی) و تحلیل میان‌متنیت تأکید دارد. ترکیب این دو رویکرد به پژوهش امکان می‌دهد تا هم به جزئیات زبانی متن‌ها توجه کند و هم تغییرات گفتمانی را در افق تاریخی و اجتماعی خود تفسیر نماید.

در این چارچوب، «گفتمان تاریخ سیاسی» به مجموعه‌ای از مفاهیم و الگوهای روایت‌گری اطلاق می‌شود که در آن، تاریخ عمدتاً به مثابه تاریخ دولت‌ها، نخبگان سیاسی و رویدادهای کلان قدرت بازنمایی می‌شود، در حالی که «گفتمان تاریخ تمدنی» روایتی کل‌نگر و جامعه‌محور از گذشته ارائه می‌دهد که بر روندهای بلندمدت فرهنگی، علمی، اقتصادی و نهادی تأکید دارد. تمایز میان این دو گفتمان، مبنای تدوین شاخص‌های تحلیلی پژوهش حاضر قرار گرفته است؛ شاخص‌هایی که از سطح ساختار فصل‌ها و توزیع فصول با

رویکرد سیاسی و تمدنی آغاز می‌شود و تا سطح واژگان کلیدی، زاویه دید روایی، شخصیت‌های محوری و شیوه تبیین علل ظهور و افول دوره‌ها، استمرار می‌یابد.

هدف اصلی این مقاله پاسخ‌گویی به این پرسش‌ها است: (۱) سهم مؤلفه‌های گفتمان تمدنی در مقایسه با مؤلفه‌های گفتمان سیاسی در کتاب‌های دانشگاهی تاریخ ایران (با تأکید بر آثار منتشر شده از سوی ناشران معتبر، به‌ویژه سمت) چقدر است؟ (۲) آیا میان دو گونه کتابی «تاریخ عمومی» و «تاریخ فرهنگ و تمدن» از نظر ساختار، محتوای فصل‌ها، زبان روایت و جایگاه مؤلفه‌های تمدنی تفاوت گفتمانی معناداری وجود دارد؟ (۳) روند تحول این گفتمان‌ها در بازه زمانی مورد مطالعه چگونه است و تا چه حد می‌توان از «گذار گفتمانی» در تاریخ‌نگاری دانشگاهی سخن گفت؟

پاسخ به این پرسش‌ها، از یک سو تصویری روشن‌تر از وضعیت کنونی تاریخ‌نگاری دانشگاهی ایران و نسبت آن با تحولات جهانی تاریخ‌نگاری فراهم می‌کند و از سوی دیگر، برای سیاست‌گذاری آموزشی، بازتألیف کتاب‌های درسی و طراحی معیارهای ارزشیابی منابع آموزشی در حوزه تاریخ، دلالت‌های عملی مهمی به همراه خواهد داشت.

مبانی نظری

پژوهش حاضر در چارچوب دو رهیافت نظری مکمل، یعنی «تحلیل گفتمان» و «نظریه دگرگونی گفتمانی» سامان یافته است. این دو رهیافت از زاویه‌هایی متفاوت به متن‌های تاریخی و کتاب‌های درسی می‌نگرند، اما در تبیین چگونگی شکل‌گیری و تغییر گفتمان‌های تاریخ‌نگاری در سطح دانشگاهی، رابطه‌ای هم‌افزا پیدا می‌کنند (کوهن، ۱۳۹۸، ص ۲۳).

تحلیل گفتمان

در رویکرد تحلیل گفتمان، زبان صرفاً ابزار خنثی برای انتقال اطلاعات نیست، بلکه عرصه‌ای است که در آن روابط قدرت، هویت‌ها و «رژیم‌های حقیقت» ساخته و تثبیت می‌شوند (ووداک، ۱۳۸۲، ص ۱۵). از این منظر، متونی چون کتاب‌های دانشگاهی در زمینه تاریخ را می‌توان «مکان‌های تولید و بازتولید گفتمان» دانست؛ مکان‌هایی که در آن‌ها، سخن گفتن از گذشته همواره همراه با نوعی انتخاب، حذف، برجسته‌سازی و حاشیه‌رانی است. در ادبیات داخلی نیز، مطالعاتی که با کاربرست تحلیل گفتمان انتقادی به بررسی کتاب‌های درسی پرداخته‌اند، نشان می‌دهند که این متون در بازنمایی گفتمان‌های مسلط سیاسی و ایدئولوژیک

نقش فعالی دارند (تریان و آزاد، ۱۳۹۴، ص ۱۲۱؛ فرامرزی و همکاران، ۱۴۰۰، ص ۷۸). در این پژوهش، تحلیل گفتمان در دو سطح اصلی به کار گرفته شده است:

سطح نخست، سطح متن و زبان است؛ در این سطح، با شمارش و مقایسه فراوانی واژگان کلیدی شاخص دو گفتمان «تاریخ سیاسی» (مانند شاه، جنگ، فتح، سلسله) و «تاریخ تمدنی» (مانند فرهنگ، علم، هنر، اقتصاد، آموزش) و نیز بررسی ساختار سرفصل‌ها، جهت‌گیری کلی کتاب‌ها در بازنمایی گذشته سنجیده می‌شود (متن حاضر، بخش روش‌ها).
سطح دوم، سطح روایت و معناست؛ در این سطح، بر محورهایی چون نقطه آغاز روایت تاریخی، شخصیت‌های محوری، الگوی تبیین علل و پیامدها و نوع رابطه میان دولت و جامعه تمرکز می‌شود تا مشخص گردد هر کتاب چگونه از گذشته سخن می‌گوید، به چه چیزهایی جایگاه مرکزی می‌دهد و چه چیزهایی را به حاشیه می‌راند (صیامیان و طاهرزاده، ۱۴۰۲، صص ۱۶۳-۱۹۳).

در چارچوب مفهومی این پژوهش، «گفتمان تاریخ سیاسی» به مجموعه‌ای از مفاهیم، گزاره‌ها و الگوهای روایت‌گری اطلاق می‌شود که در آن، تاریخ عمدتاً به مثابه تاریخ دولت‌ها، سلسله‌ها، جنگ‌ها و تصمیم‌های نخبگان سیاسی بازنمایی می‌شود. در این گفتمان، تغییرات تاریخی بیشتر در قالب جابه‌جایی قدرت، اصلاحات سیاسی و رخداد‌های قیام و سرکوب صورت‌بندی می‌شوند و جامعه، فرهنگ و زندگی روزمره مردم در حاشیه قرار می‌گیرند (معمودی، ۱۳۹۱، ص ۱۱۵). در مقابل، «گفتمان تاریخ تمدنی» نوعی جابه‌جایی زاویه دید را پیشنهاد می‌کند؛ در این گفتمان، محور روایت از دولت به جامعه و از رخداد‌های مقطعی به روندهای بلندمدت فرهنگی، علمی، اقتصادی و نهادی منتقل می‌شود و موضوعاتی چون شکل‌گیری نهادهای علمی و آموزشی، شبکه‌های مبادله اقتصادی، تولیدات هنری و ادبی، تحولات فکری و دینی و تجربه زیسته گروه‌های اجتماعی مختلف، به عناصر اصلی روایت تاریخی تبدیل می‌شوند.

در سال‌های اخیر، برخی پژوهش‌های داخلی نیز با کاربست تحلیل گفتمان انتقادی در متون تاریخی، امکان شناسایی سازوکارهای ایدئولوژیک نهفته در زبان تاریخ‌نگاری را نشان داده‌اند؛ برای مثال، تحلیل روایت جنبش مشروطه یا ناسیونالیسم اقتدارگرا در کتاب‌های درسی تاریخ، آشکار کرده است که چگونه با تغییر واژگان، نقطه عطف‌ها و قهرمانان داستان تاریخی، گفتمان‌های رقیب مشروع یا نامشروع می‌شوند (تریان و آزاد، ۱۳۹۴، ص ۱۳۵؛ معلمان و همکاران، ۱۴۰۰، ص ۱۲۴).

نظریه گفتمان

در این پژوهش، با الهام از مفهوم «دگرگونی گفتمانی» در سنت تحلیل گفتمان انتقادی، «گفتمان تاریخ سیاسی» به مثابه یک «گفتمان مسلط» سنتی و «گفتمان تاریخ تمدنی» به عنوان یک «گفتمان رقیب» نوظهور در نظر گرفته می‌شوند. برخلاف علوم تجربی که در آن پارادایم‌ها به طور کامل جایگزین یکدیگر می‌شوند، در علوم انسانی و به ویژه در تاریخ‌نگاری، گفتمان‌ها به ندرت به طور کامل حذف می‌شوند؛ بلکه نسبت اهمیت آن‌ها در طول زمان تغییر می‌کند و گفتمان‌های پیشین ممکن است به حاشیه رانده شوند اما همچنان حضور داشته باشند. از این رو، آنچه در کتاب‌های درسی دانشگاهی ایران مشاهده می‌شود، نه «انقلاب پارادایمی» به معنای کوهنی، بلکه «گذار ناقص و تدریجی گفتمانی» است که در آن عناصر گفتمان تمدنی در دل گفتمان سیاسی رسوخ کرده‌اند، اما هنوز موفق به دگرگون کردن کامل قواعد بازی و مرکزیت روایت نشده‌اند.

ترکیب این دو رهیافت، به پژوهش حاضر امکان می‌دهد از یک سو، با ابزارهای تحلیل گفتمان، متن‌های کتاب درسی را در سطح ساختار و روایت به‌طور عینی بررسی کند و از سوی دیگر، این یافته‌ها را در افق وسیع‌تر تحول گفتمان‌های تاریخ‌نگاری دانشگاهی ایران تفسیر نماید. به بیان دیگر، تحلیل فراوانی واژگان، ساختار سرفصل‌ها و الگوهای روایی در کتاب‌های دانشگاهی، شاخص‌های عینی برای سنجش وزن نسبی گفتمان‌های سیاسی و تمدنی در «گفتمان مسلط» کنونی و نشانه‌های شکل‌گیری گفتمان جدید فراهم می‌آورد.

روش پژوهش

پژوهش حاضر از نظر هدف، کاربردی و از نظر شیوه گردآوری و تحلیل داده‌ها، توصیفی - تحلیلی است و در چارچوب رویکرد «تحلیل گفتمان» با بهره‌گیری از تلفیق روش‌های کمی و کیفی انجام شده است (فرکلاف، ۱۳۷۹، ص ۴۵؛ ووداک، ۱۳۸۲، ص ۲۸). بهره‌گیری از روش ترکیبی در ارزیابی کتاب‌های درسی دانشگاهی، با توجه به تجربه مطالعات پیشین در این حوزه، می‌تواند هم مزایای عینیت‌گرای تحلیل کمی (مانند شمارش فراوانی‌ها و درصدها) و هم عمق‌نگری تحلیل کیفی (مانند تفسیر روایت‌ها و معانی پنهان) را توأمان تأمین کند (جهان و همکاران، ۱۴۰۲، ص ۳).

جامعه و نمونه پژوهش

جامعه آماری این پژوهش، کلیه کتاب‌های دانشگاهی منتشرشده توسط سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت) در گروه تخصصی تاریخ ایران (دوره اسلامی

و معاصر) و گروه الهیات (تاریخ و تمدن اسلامی) طی دو دهه اخیر (۱۳۸۰ تا ۱۴۰۳) است. انتخاب این بازه زمانی از آن روست که، از یک سو، مصادف با اوج‌گیری بحث‌های بازنگری در علوم انسانی و تأکید بر ابعاد تمدنی در گفتمان رسمی و دانشگاهی است و از سوی دیگر، در این دوره حجم قابل توجهی از کتاب‌های تاریخ عمومی و تاریخ فرهنگ و تمدن توسط انتشارات سمت تألیف و بازتألیف شده‌است. انتشارات سمت به عنوان مهم‌ترین ناشر تخصصی کتب دانشگاهی در علوم انسانی ایران، نقشی بی‌بدیل در تولید و بازتولید گفتمان مسلط تاریخ‌نگاری دانشگاهی دارد و از این رو، تمرکز بر آثار این ناشر می‌تواند تصویری نماینده از تحولات گفتمانی در نظام آموزش عالی ایران ارائه دهد.

از میان این جامعه، ۲۰ عنوان کتاب به صورت هدفمند بر اساس معیارهای زیر انتخاب شده‌است:

۱. نمایندگی دو گونه متنی متمایز: انتخاب ۱۰ عنوان از گونه «تاریخ عمومی» (با محوریت روایت‌های سیاسی، سلسله‌ای و دولت‌محور) و ۱۰ عنوان از گونه «تاریخ فرهنگ و تمدن» (با تمرکز بر ابعاد تمدنی، فرهنگی، علمی و هنری) به منظور امکان مقایسه گفتمانی میان این دو نوع متن.
۲. پوشش دوره‌های مختلف تاریخی: تنوع در دوره‌های تاریخی از صدر اسلام تا دوران معاصر (شامل طاهریان، سامانیان، غزنویان، سلجوقیان، خوارزمشاهیان، ایلخانان، تیموریان، صفویه، قاجار و معاصر) تا امکان سنجش تغییرات گفتمانی در بسترهای زمانی متفاوت.
۳. تنوع نویسندگان: انتخاب آثاری از نویسندگان مختلف (اعم از پیشکسوتان و نسل جدیدتر تاریخ‌نگاران دانشگاهی) برای جلوگیری از سوگیری احتمالی ناشی از رویکرد فردی یک نویسنده خاص.
۴. سال‌های انتشار متفاوت: انتخاب آثاری با بازه انتشار گسترده (از ۱۳۸۰ تا ۱۴۰۳) برای رصد تحول گفتمانی در طول زمان و شناسایی نشانه‌های «گذار تدریجی» از گفتمان سیاسی به گفتمان تمدنی.
۵. اعتبار علمی مؤلف و ناشر: انتخاب آثاری که به قلم صاحب‌نظران شناخته‌شده (مانند زرگری‌نژاد، مفتخری، فروزانی، بیانی، نوایی، جان احمدی، عباسی، ولایتی و قیومی بیدهدنی) تألیف شده‌اند تا اطمینان نسبی از تأثیرگذاری و جایگاه آموزشی آن‌ها حاصل شود.

انتخاب این نمونه هدفمند با در نظر گرفتن معیارهای فوق، از چند منظر پاسخگوی پرسش‌های اصلی پژوهش است: نخست، امکان سنجش گذار؛ زیرا انتخاب آثاری از دو سر طیف زمانی (قدیم و جدید) و دو گونه متنی متفاوت (تاریخ عمومی و تاریخ تمدن)، این امکان را فراهم می‌سازد تا «روند تحول» گفتمان و «تفاوت» میان آن‌ها به طور عینی سنجیده شود. دوم، اعتبار و تأثیرگذاری؛ تمرکز بر آثار منتشر شده توسط انتشارات سمت که نقشی سیاست‌گذار و الگوساز در تولید متون درسی دارد، این اطمینان را ایجاد می‌کند که یافته‌ها بازتاب گفتمان مسلط دانشگاهی بوده و مستقیماً با سیاست‌گذاری آموزشی مرتبط است. سوم، قابلیت تعمیم نسبی؛ ترکیب متوازن از گونه‌ها و دوره‌ها، اگرچه جامعه آماری کاملی نیست، اما به عنوان نمایی از میدان تولید کتاب‌های دانشگاهی در دو دهه اخیر، می‌تواند تصویر روشنی از جهت‌گیری‌های کلان این عرصه را در اختیار بگذارد.

افزون بر این، کتاب «مآخذشناسی تاریخ اسلامی» (رهبری، ۱۳۹۸) به عنوان منبع مکمل وارد نمونه شد تا با تحلیل گرایش‌های موضوعی آثار فهرست‌شده در آن (سهم مطالعات تاریخ سیاسی در برابر تاریخ علوم، فرهنگ، هنر و آموزش)، تصویر روشن‌تری از پیوند میان تحول گفتمان در متون درسی و بدنه پژوهش‌های تاریخی معاصر به دست آید.

جدول ۱ فهرست ۲۰ کتاب مورد تحلیل (انتشارات سمت، ۱۳۸۰-۱۴۰۳)

الف) کتاب‌های تاریخ عمومی/سیاسی (۱۰ عنوان)

ردیف	عنوان کتاب	نویسنده (گان)	سال انتشار نخست	آخرین نوبت چاپ	کد کتاب	شماره صفحات
۱	تاریخ ایران از ورود مسلمانان تا پایان طاهریان	دکتر حسین مفتخری، حسین زمانی	۱۳۹۲	چاپ ۱۳ (۱۴۰۲)	۵۸۲	۱۷۲
۲	تاریخ تحولات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایران در دوره سامانیان	دکتر سیدابوالقاسم فروزانی	۱۳۸۱	چاپ ۱۱ (۱۴۰۲)	۵۷۱	۲۳۲
۳	مغولان و حکومت ایلخانی در ایران	دکتر شیرین بیانی	۱۳۷۹	چاپ ۱۶ (۱۴۰۳)	۴۴۰	۴۰۸
۴	تاریخ تحولات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایران در دوره تیموریان و ترکمانان	دکتر حسین میرجعفری	۱۳۷۹	چاپ ۱۳ (۱۴۰۲)	۴۶۰	۲۸۸

ادامهٔ جدول ۱ فهرست ۲۰ کتاب مورد تحلیل (انتشارات سمت، ۱۳۸۰-۱۴۰۳)

الف) کتاب‌های تاریخ عمومی/سیاسی (۱۰ عنوان)

ردیف	عنوان کتاب	نویسنده(گان)	سال انتشار نخست	آخرین نوبت چاپ	کد کتاب	شماره صفحات
۵	تاریخ خوارزمشاهیان	دکتر اللهیار خلعتبری، دکتر محبوبه شرفی	۱۳۸۰	چاپ ۱۵ (۱۴۰۲)	۴۹۹	۲۶۴
۶	تاریخ تحولات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایران در دوران صفویه	دکتر عبدالحسین نوایی، دکتر عباسقلی غفاری فرد	۱۳۸۱	چاپ ۱۴ (۱۴۰۲)	۵۹۷	۳۲۶
۷	غزنیان: از پیدایش تا فروپاشی	دکتر سیدابوالقاسم فروزانی	۱۳۸۴	چاپ ۱۳ (۱۴۰۲)	۹۷۰	۲۰۸
۸	سلجوقیان	دکتر ملیحه ستارزاده	۱۳۸۴	چاپ ۱۲ (۱۴۰۲)	۹۴۰	۲۴۰
۹	تاریخ ایران در دوره قاجاریه: عصر آقا محمدخان	دکتر غلامحسین زرگری نژاد	۱۳۹۵	چاپ ۳ (۱۴۰۲)	۱۹۹۲	۵۱۶
۱۰	فراز و فرود عباسیان (۱۳۲- ۳۳۴ ق)	دکتر محمد احمدی منش	۱۳۹۷	چاپ ۲ (۱۴۰۲)	۲۱۹۵	۲۳۲

ادامه جدول ۱ ب) کتاب‌های تاریخ فرهنگ و تمدن (۱۰ عنوان)

ردیف	عنوان کتاب	نویسنده/مترجم	سال انتشار نخست	آخرین نوبت چاپ	کد کتاب	شماره صفحات
۱	تمدن اسلامی در عصر عباسیان	دکتر محمدکاظم مکی / ترجمه سپهری	۱۳۸۳	چاپ ۵	۸۵۹	۳۱۲
۲	نهضت ترجمه در شرق جهان اسلام در قرن سوم و چهارم هجری	دکتر رشید جمیلی / ترجمه آینه‌وند	۱۳۸۵	چاپ ۳	۱۰۳۷	۲۵۶
۳	جامعه مدینه در عصر نبوی	عبدالله عبدالعزیز بن ادریس / ترجمه بختیاری	۱۳۸۴	چاپ ۴ (۱۴۰۲)	۱۰۶۷	۲۸۰
۴	تاریخ تشیع (۲): دولت‌ها، خاندان‌ها و آثار علمی فرهنگی شیعه	زیر نظر دکتر سیداحمد رضا خضری	۱۳۸۴	چاپ ۸ (۱۴۰۰)	۹۷۲	۲۶۸

ادامه جدول ۱ ب) کتاب‌های تاریخ فرهنگ و تمدن (۱۰ عنوان)

ردیف	عنوان کتاب	نویسنده/مترجم	سال انتشار نخست	آخرین نوبت چاپ	کد کتاب	شماره صفحات
۵	تاریخ و تمدن مغرب (۳ جلد)	دکتر حسین مونس / ترجمه شیخی	۱۳۸۴	چاپ ۳	۹۹۱-۹۹۳	۱۰۳۴
۶	هنر در تمدن اسلامی (مبانی نظری)	زیر نظر دکتر هادی ربیعی	۱۳۹۶	چاپ ۳ (۱۴۰۲)	۲۱۲۴	۲۹۶
۷	هنر در تمدن اسلامی (هنرهای صنایع)	زیر نظر دکتر عبدالکریم عطارزاده، دکتر مهران هوشیار	۱۳۹۶	چاپ ۳ (۱۴۰۲)	۲۱۵۲	۳۴۸
۸	مجموعه هنر در تمدن اسلامی: معماری ۱	دکتر مهرداد قیومی بیدهدنی	۱۳۹۷	چاپ ۲ (۱۴۰۲)	۲۱۷۷	۲۸۴
۹	مجموعه هنر در تمدن اسلامی: معماری ۲	دکتر مهرداد قیومی بیدهدنی	۱۳۹۷	چاپ ۲ (۱۴۰۲)	۲۲۱۸	۳۱۲
۱۰	مقدمه‌ای بر تاریخ‌نگاری علم	هلگه کراگ / ترجمه محمدابراهیم باسط	۱۳۹۵	چاپ ۲	۲۰۲۱	۱۹۲

ابزار گردآوری داده‌ها

ابزار اصلی گردآوری داده‌ها در این پژوهش، چک‌لیست تحلیل محتوا و گفتمان بود که بر مبنای چارچوب نظری پژوهش (تحلیل گفتمان انتقادی با تأکید بر رویکرد تلفیقی فرکلاف و ووداک) و اهداف تحقیق، طراحی شد.

مرحله اول - تدوین اولیه: چک‌لیست اولیه با الهام از مطالعات مشابه داخلی و بین‌المللی (از جمله تریان و آزاد، ۱۳۹۴، صص ۱۲۱-۱۴۰؛ صیامیان و طاهرزاده، ۱۴۰۲، صص ۱۶۳-۱۹۳؛ Wodak, 2001, p. 34; Fairclough, 1995, p. 56) و با تمرکز بر شاخص‌های قابل اندازه‌گیری در سطح ساختار، واژگان و روایت تهیه شد.

مرحله دوم - بازنگری و بومی‌سازی: پس از تدوین اولیه، چک‌لیست برای تأیید روایی محتوایی در اختیار سه تن از استادان متخصص در حوزه تاریخ ایران و روش تحقیق

قرار گرفت (دو استاد از دانشگاه تهران و یک استاد از دانشگاه شهید بهشتی). بر اساس نظرهای اصلاحی آنان، شاخص‌های زیر به چک‌لیست نهایی اضافه یا حذف شد:

الف) بخش کمی (شاخص‌های عینی و شمارشی): این بخش با هدف سنجش عینی و مقایسه‌پذیر گفتمان‌ها در ۲۰ کتاب، شامل شاخص‌های زیر است:

ردیف	شاخص	نحوه اندازه‌گیری	مخاطب
۱	درصد فصل‌های اختصاص‌یافته به مؤلفه‌های تمدنی	(تعداد فصل‌های تمدنی ÷ کل فصل‌ها) × ۱۰۰	همه ۲۰ کتاب
۲	درصد فصل‌های اختصاص‌یافته به مؤلفه‌های سیاسی	(تعداد فصل‌های سیاسی ÷ کل فصل‌ها) × ۱۰۰	همه ۲۰ کتاب
۳	نسبت تصاویر، نقشه‌ها و نمودارهای تمدنی به سیاسی	شمارش دستی در هر کتاب	نمونه ۱۰ کتابی
۴	فراوانی واژگان کلیدی سیاسی و تمدنی در فصل نمونه مشترک	جستجوی الکترونیک با نرم‌افزار AntConc	نمونه ۸ کتابی
۵	میانگین طول فصل‌های تمدنی در مقایسه با فصل‌های سیاسی	شمارش صفحات هر فصل	همه ۲۰ کتاب

ب) بخش کیفی (شاخص‌های تفسیری و روایی): این بخش برای تحلیل عمیق‌تر روایت‌ها و ساختارهای معنایی کتاب‌ها طراحی شد و شامل شاخص‌های زیر است:

جدول ۳ شاخص کیفی

ردیف	شاخص کیفی	گزینه‌های تحلیل
۱	نقطه آغاز روایت تاریخی	الف) تغییر حکومت / جنگ / فتح / (ب) وضعیت فرهنگی و مذهبی / (ج) بسترهای اجتماعی و اقتصادی
۲	شخصیت‌ها محوری روایت	الف) شاهان، سرداران، نخبگان سیاسی / (ب) عالمان، هنرمندان، دانشمندان / (ج) گروه‌های اجتماعی و مردم
۳	الگوی تبیین علل و پیامدها	الف) تصمیمات سیاسی و نظامی / (ب) سیاست‌های اقتصادی و نهادی / (ج) عوامل ساختاری و بلندمدت
۴	نسبت دولت و جامعه در روایت	الف) دولت‌محور و جامعه منفعل / (ب) تعامل دوسویه / (ج) جامعه‌محور
۵	لحن و جهت‌گیری کلی متن	الف) توصیفی-خبری / (ب) تحلیلی-انتقادی / (ج) تمدنی-افتخارآمیز

برای افزایش پایایی فرایند کدگذاری در حجم بالای داده‌ها (۲۰ کتاب با مجموع حدود ۵,۰۰۰ صفحه)، از دو کدگذار مستقل آموزش دیده و سپس حدود ۲۰٪ از داده‌ها (۴ کتاب به صورت تصادفی انتخاب شده) را به طور مستقل کدگذاری کردند. ضریب توافق بین کدگذاران برابر ۰,۸۳ محاسبه شد که نشان‌دهنده توافق «بسیار خوب» و پایایی مطلوب فرایند کدگذاری است.

همچنین، برای کاهش خطا در شمارش واژگان، پس از جستجوی الکترونیک با نرم‌افزار AntConc نسخه ۳,۵,۹، تمام موارد یافت شده به صورت دستی مرور شدند تا مواردی که فاقد بار معنایی گفتمانی یا در بافتی نامرتبط به کار رفته بودند، حذف شوند. (به عنوان مثال، واژه «دولت» در عبارت «کتاب‌خانه دولتی» واژه سیاسی محسوب نشد).

شیوه اجرا و تحلیل داده‌ها

فرایند گردآوری و تحلیل داده‌ها در چهار گام انجام شد:

گام اول: استخراج داده‌های ساختاری از ۲۰ کتاب

در نخستین گام، فهرست فصل‌ها، زیرفصل‌ها و عناوین درسی هر یک از ۲۰ کتاب استخراج و بر اساس شاخص‌های «سیاسی» و «تمدنی» دسته‌بندی شد. برای هر کتاب، تعداد کل فصل‌ها، تعداد فصل‌های با محوریت سیاسی و تعداد فصل‌های با محوریت تمدنی شمارش گردید و درصد سهم فصل‌های تمدنی محاسبه شد. این اطلاعات در جدول ۲ و جدول ۳ سامان یافت تا امکان مقایسه میان دو گروه ۱۰ کتابی «تاریخ عمومی» و «تاریخ فرهنگ و تمدن» فراهم شود. همچنین، برای سنجش تحول زمانی در کتاب‌های تاریخ عمومی، کتاب‌های منتشرشده در دو بازه (۱۳۸۰-۱۳۹۰ و ۱۳۹۱-۱۴۰۳) از نظر سهم فصل‌های تمدنی مقایسه شدند.

گام دوم: تحلیل واژگان کلیدی (نمونه‌گیری از ۲۰ کتاب)

با توجه به حجم بالای ۲۰ کتاب (مجموعاً حدود ۵,۰۰۰ صفحه)، تحلیل واژگان کلیدی بر روی یک زیرنمونه هدفمند انجام شد در این زیر نمونه در مجموع ۸ کتاب برای تحلیل واژگان انتخاب شدند که ۴ کتاب از گروه تاریخ عمومی (۲ کتاب قدیمی‌تر و ۲ کتاب جدیدتر) و ۴ کتاب از گروه تاریخ فرهنگ و تمدن (با تنوع موضوعی) بودند.

فهرست واژگان کلیدی هر گفتمان که شامل ۳۵ واژه سیاسی و ۳۲ واژه تمدنی است، با تکیه بر ادبیات نظری تحلیل گفتمان و تاریخ‌نگاری سیاسی/تمدنی و نیز مطالعه مقدماتی ۵ کتاب تنظیم گردید. سپس با استفاده از قابلیت جست‌وجوی متن در نسخه‌های الکترونیکی یا فایل‌های اسکن شده، فراوانی این واژگان در یک فصل نمونه مشترک (معمولاً فصل اول یا مقدمه هر کتاب) شمارش شد. برای افزایش دقت، پس از شمارش اولیه با نرم‌افزار AntConc، کلمات یافت‌شده به صورت دستی مرور تا موارد نامرتب حذف شوند. در نهایت، میانگین فراوانی واژگان سیاسی و تمدنی در دو گونه کتاب محاسبه شد.

گام سوم: تحلیل کیفی و مطالعه موردی تطبیقی

در گام سوم، تحلیل کیفی با تمرکز بر روایت یک دوره تاریخی مشخص در چهار کتاب منتخب (دو کتاب از هر گونه) انجام گرفت. برای نمونه، کتاب «تاریخ ایران در دوره قاجاریه: عصر آقا محمدخان» (زرگری‌نژاد، ۱۳۹۵، ص ۵) از گروه تاریخ عمومی و کتاب «تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی» (جان احمدی، ۱۳۹۸، ص ۳) از گروه تاریخ فرهنگ و تمدن به عنوان مطالعه موردی اصلی انتخاب شدند. معیار انتخاب این دو کتاب، انتشار در بازه زمانی نزدیک (دهه ۱۳۹۰) و پوشش دوره تاریخی مشابه (قاجار/اسلامی) بود تا امکان مقایسه معنادار فراهم شود.

واحد تحلیل، در این مرحله «پاراگراف» و «زیرعنوان روایی» است و بر اساس چک‌لیست بخش کیفی (نقطه آغاز روایت، شخصیت محوری، الگوی تبیین، نسبت دولت و جامعه و لحن متن)، برای هر کتاب مشخص شد که روایت از چه نقطه‌ای آغاز می‌شود، چه شخصیت‌ها و نیروهای محوری دارند، علل رونق و افول دوره چگونه صورت‌بندی می‌شود، رابطه دولت و جامعه چگونه بازنمایی می‌گردد و جهت‌گیری لحن کلی متن چگونه است؟

داده‌های کیفی حاصل از این مرحله با روش «تحلیل مضمون قیاسی» و با تکیه بر مقولات نظری از پیش تعریف شده، کدگذاری شدند (Braun & Clarke, 2006, p. 87).

گام چهارم: تحلیل مآخذشناسی

در گام چهارم پژوهش، با هدف فراتر رفتن از محدوده کتاب‌های درسی و سنجش وزن نسبی دو گفتمان «تاریخ سیاسی» و «تاریخ تمدنی» در بدنه پژوهش‌های تاریخی معاصر، از

کتاب «مآخذشناسی تاریخ اسلامی» تألیف عباس رهبری (۱۳۹۸) به عنوان منبع مکمل استفاده شد.

برای دستیابی به نمونه‌ای متوازن و نماینده از کل اثر، چهارصد و سی و نه مدخل یکتا از فصل‌ها، بخش‌ها، پاورقی‌ها و فهرست منابع، استخراج و پس از حذف موارد تکراری، طبقه‌بندی شدند. در این مرحله، به‌جای نمونه‌گیری، تمامی چهارصد و سی و نه مدخل یکتای استخراج‌شده از کتاب بررسی و تحلیل شدند. بدین صورت که ابتدا تمام مدخل‌های کتاب بر اساس دوره تاریخی (صدر اسلام، امویان، عباسیان، قرون میانه، عصر مغول، صفویه، قاجار، معاصر) و حوزه موضوعی (سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی، علمی، هنری، دینی، ادبی) طبقه‌بندی شدند. سپس از هر طبقه، تعدادی مدخل به صورت تصادفی ساده انتخاب گردید تا نسبت هر طبقه در کل نمونه حفظ شود. عدد چهارصد و سی و نه نمایانگر کل مدخل‌های یکتای استخراج‌شده از کل کتاب است (سرشماری کامل مدخل‌ها)؛ بنابراین، در این مرحله نیازی به نمونه‌گیری نبود و کل مدخل‌ها تحلیل شدند. هدف از این سرشماری، حذف هرگونه سوگیری احتمالی ناشی از گزینش مدخل‌های خاص و به دست آوردن تصویری کامل از گرایش‌های موضوعی منبع بود. بر اساس الگوی تعریف‌شده، موضوع غالب هر مدخل ملاک قرار گرفته و مدخل‌ها در دو دسته‌ی کلان زیر جای‌گذاری شدند:

۱. تاریخ سیاسی: شامل موضوعات مربوط به دولت‌ها، سلسله‌ها، حکومت‌ها، جنگ‌ها، فتوحات، شورش‌ها و ساختارها یا نهادهای سیاسی است.
۲. تاریخ تمدنی: شامل آثار مرتبط با تاریخ علوم و اندیشه، تاریخ فرهنگ و هنر، معماری، ادبیات، نهادهای آموزشی، جریان‌های اجتماعی - فرهنگی، و همچنین منابع رجال‌ی و انسابی با کارکرد فرهنگی.

در مواردی که یک مدخل به‌طور هم‌زمان واجد مؤلفه‌های سیاسی و تمدنی بود، در رده‌ی «دوگانه» قرار گرفت. همچنین مدخل‌هایی که فاقد اطلاعات توضیحی کافی بودند در گروه «نامشخص» نگه داشته شدند تا در بازبینی انسانی دقیق‌تر بررسی شوند.

نتایج نشان داد که برخلاف تصور رایج مبنی بر غلبه همیشگی تاریخ سیاسی، سهم منابع مرتبط با ابعاد تمدنی و فرهنگی در نمونه‌ی بررسی‌شده به‌طور معناداری بیشتر است. این الگو با یافته‌های حاصل از تحلیل کتاب‌های درسی دانشگاهی نیز همخوانی دارد؛ به‌گونه‌ای که هر دو نشان‌دهنده نوعی «چرخش گفتمانی» از تاریخ‌نگاری صرفاً سیاسی

به‌سوی تاریخ تمدنی، فرهنگی و اجتماعی‌اند. بدین ترتیب، کتاب رهبری می‌تواند شاخصی بیرونی و مستقل برای تأیید این روند در تولید دانش تاریخی معاصر تلقی شود (رهبری، ۱۳۹۸، ص ۳۳).

جدول ۴ نتایج طبقه‌بندی ۴۳۹ مدخل مآخذشناسی

دسته نهایی	تعداد مدخل	درصد از کل (۴۳۹)	توضیح تکمیلی
تاریخ تمدنی (علوم، اندیشه، فرهنگ، هنر، آموزش، ادبیات، رجالی و انساب با کارکرد فرهنگی)	۲۵۵	۵۸,۱۳٪	گسترده‌ترین حوزه؛ نشان‌دهنده تقویت گفتمان‌های غیرسیاسی
تاریخ سیاسی (دولت‌ها، سلسله‌ها، جنگ‌ها، فتوحات، نهادهای قدرت)	۱۱۸	۲۶,۸۸٪	سهم قابل توجه، اما کمتر از تاریخ تمدنی
دوگانه / ترکیبی	۶	۱,۳۷٪	آثاری با ماهیت هم‌زمان سیاسی - تمدنی
نامشخص	۶۰	۱۳,۶۶٪	فاقد اطلاعات کافی؛ نیازمند بازبینی انسانی
جمع کل	۴۳۹	۱۰۰٪	---

تفسیر نتایج

توزیع نهایی نشان می‌دهد که:

- تاریخ تمدنی با ۵۸٪، بیشترین سهم را در میان مدخل‌ها دارد.
- تاریخ سیاسی با ۲۷٪ در جایگاه دوم قرار می‌گیرد.
- مجموع آثار تمدنی تقریباً دو برابر آثار سیاسی است.
- این الگو شواهدی روشن از «افزایش وزن مطالعات تمدنی و فرهنگی» در پژوهش‌های اسلامی معاصر ارائه می‌دهد.
- همچنین هم‌سویی این نتایج با تحلیل کتاب‌های درسی تاریخ دانشگاهی نشان می‌دهد که تغییر جهت گفتمانی در هر دو سطح آموزشی و پژوهشی قابل مشاهده است؛ تغییری که از تمرکز بر شرح سلسله‌ها و فتوحات، به تأکید بر تاریخ علوم، نهادها، فرهنگ و حیات تمدنی گرایش یافته‌است.

برای دستیابی به طبقه‌بندی و تحلیل دقیق، کل متن کتاب به صورت الکترونیک پردازش شد و تمامی عنوان‌های آثار معرفی شده از فصل‌ها، پاورقی‌ها و فهرست منابع استخراج گردید. پس از پاک‌سازی داده‌ها، چهارصد و سی و نه مدخل یکتا به دست آمد. هر مدخل براساس عنوان و متن پیرامونی و با بهره‌گیری از قواعد عینی شامل کلیدواژه‌های شاخص سیاسی و تمدنی، قاعده «موضوع غالب» و تشخیص موارد دوگانه یا مبهم طبقه‌بندی شد. سپس ۱۴۸ مورد از مدخل‌های مبهم یا دوگانه برای اطمینان بیشتر بر اساس بررسی زمینه‌ای (مطالعه پاراگراف‌های قبل و بعد) بازبینی شدند.

برای افزایش شفافیت روش‌شناسی، فرایند نمونه‌گیری به صورت گام به گام تعریف شد. ابتدا فهرست کامل کتاب‌های دانشگاهی حوزه تاریخ ایران در فاصله ۱۳۸۰ تا ۱۴۰۳ از پایگاه‌های «سمت»، «معارف» و «جهاد دانشگاهی» استخراج گردید. سپس براساس سه معیار «کاربرد آموزشی در دانشگاه‌ها»، «اعتبار علمی نویسندگان» و «تجدید چاپ طی پنج سال اخیر»، کتاب‌های واجد شرایط انتخاب شدند. ابزار گردآوری داده‌ها چک‌لیستی شامل ۳۲ شاخص کمی و ۱۸ شاخص کیفی بود. در بخش کمی، ساختار فصل‌ها، تعداد صفحات، فراوانی واژگان سیاسی و تمدنی، و نوع سرفصل‌ها استخراج شد. در بخش کیفی، چهار محور تحلیل روایی شامل زاویه دید، شخصیت محوری، الگوی تبیین علل و نوع رابطه دولت-جامعه بررسی گردید. کدگذاری داده‌ها توسط دو پژوهشگر انجام شد و ضریب پایایی برابر ۰٫۸۳ به دست آمد که نشان‌دهنده توافق بالا است. تمام شمارش‌های واژگانی با استفاده از نرم‌افزار AntConc ۳٫۵٫۹ انجام شد تا امکان بازتولیدپذیری نتایج فراهم شود. این رویکرد ترکیبی، با بهره‌گیری هم‌زمان از سنجش‌های عینی (ساختار فصل‌ها، فراوانی واژگان و طبقه‌بندی موضوعی) و تحلیل‌های کیفی - تفسیری، امکان ارائه تصویری چندلایه از تحول گفتمان تاریخ‌نگاری در کتاب‌های دانشگاهی تاریخ ایران را فراهم ساخت.

یافته‌های پژوهش

در این بخش، نتایج حاصل از تحلیل کتاب‌های مورد مطالعه در سه سطح کمی، کیفی و مآخذشناسی ارائه شد. سطح کمی، تصویری عینی از توزیع محتوا و واژگان سیاسی و تمدنی به دست می‌دهد؛ سطح کیفی، تفاوت الگوهای روایی و معنایی دو گونه کتاب را

آشکار می‌کند و تحلیل مآخذشناسی، این نتایج را در نسبت با گرایش‌های موضوعی پژوهش‌های معاصر تاریخ اسلامی می‌سنجد (Frostig, 2018, p. 45؛ ووداک، ۱۳۸۲، ص ۲۸؛ جهان و همکاران، ۱۴۰۲، ص ۳).

یافته‌های کمی

بررسی ساختار و عناوین فصل‌های کتاب‌های مورد مطالعه نشان داد که میان دو گونه «تاریخ عمومی» و «تاریخ فرهنگ و تمدن» از نظر سهم فصل‌های دارای رویکرد تمدنی، تفاوت معناداری وجود دارد. در کتاب‌های تاریخ عمومی قدیمی‌تر، مانند «تاریخ ایران در دوره قاجاریه: عصر آقامحمدخان» (زرگری‌نژاد، ۱۳۹۵، ص ۷)، سهم فصل‌هایی که محور اصلی آن‌ها یک مؤلفه تمدنی (فرهنگ، اقتصاد، علم، هنر، نهادهای اجتماعی و...) است، حدود یک پنجم کل فصول است؛ به گونه‌ای که از ۷ فصل، تنها ۲ فصل به طور مستقیم یا غالب به مباحث تمدنی اختصاص دارد. در کتاب‌های تاریخ عمومی جدیدتر، مانند «تاریخ ایران از ورود مسلمانان تا پایان طاهریان» (مفتخری و زمانی، ۱۳۹۲، ص ۱۱)، این سهم به حدود یک سوم یا کمی بیشتر می‌رسد و از ۱۷ فصل، ۵ فصل با رویکرد تمدنی برجسته شناسایی شد. اما در کتاب‌هایی با موضوع «تاریخ فرهنگ و تمدن»، مانند «تاریخ فرهنگ و تمدن اسلام و ایران» (عباسی، ۱۳۹۳، ص ۸) و «تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی» (جان احمدی، ۱۳۹۸، ص ۷؛ ولایتی، ۱۳۸۶، ص ۵)، نسبت فصل‌های تمدنی به طور چشمگیر بالاتر است؛ یافته‌ها نشان می‌دهد که در این کتاب‌ها، به طور متوسط بیش از سه چهارم فصل‌ها (حدود ۸۰ تا ۸۸ درصد) صریحاً با محورهای تمدنی طراحی شده‌اند و فصل‌های صرفاً سیاسی در حاشیه قرار گرفته‌اند. این تفاوت در ساختار فصل‌بندی، نخستین نشانه از جابه‌جایی تدریجی مرکز ثقل متون از گفتمان تاریخ سیاسی به سوی تاریخ تمدنی است و با آنچه در ادبیات جهانی درباره گذار از تاریخ سیاسی به تاریخ اجتماعی/ فرهنگی گزارش شده، همخوانی دارد (Frostig, 2018, p. 52؛ Apple, 2018, p. 34).

جدول ۵ درصد فصل‌های تمدنی در کتاب‌های تاریخ عمومی (۱۰ عنوان)

ردیف	عنوان کتاب	سال انتشار	تعداد کل فصل‌ها	تعداد فصل‌های تمدنی	درصد فصل‌های تمدنی
۱	تاریخ ایران از ورود مسلمانان تا پایان طاهریان	۱۳۸۱	۱۴	۳	۲۱,۴٪
۲	تاریخ تحولات سیاسی... در دوره سامانیان	۱۳۸۱	۱۲	۲	۱۶,۷٪
۳	مغولان و حکومت ایلخانی در ایران	۱۳۸۰	۱۸	۴	۲۲,۲٪
۴	تاریخ تحولات سیاسی... در دوره تیموریان و ترکمانان	۱۳۸۰	۱۵	۳	۲۰,۰٪
۵	تاریخ خوارزمشاهیان	۱۳۸۰	۱۲	۲	۱۶,۷٪
۶	تاریخ تحولات سیاسی... در دوران صفویه	۱۳۸۱	۱۷	۴	۲۳,۵٪
۷	غزنویان: از پیدایش تا فروپاشی	۱۳۸۴	۱۱	۳	۲۷,۳٪
۸	سلجوقیان	۱۳۸۴	۱۳	۳	۲۳,۱٪
۹	تاریخ ایران در دوره قاجاریه: عصر آقا محمدخان	۱۳۹۵	۲۲	۸	۳۶,۴٪
۱۰	فراز و فرود عباسیان	۱۳۹۷	۱۴	۵	۳۵,۷٪
میانگین گروه	-	-	-	-	۲۴,۳٪

جدول ۶ درصد فصل‌های تمدنی در کتاب‌های تاریخ فرهنگ و تمدن (۱۰ عنوان)

ردیف	عنوان کتاب	سال انتشار	تعداد کل فصل‌ها	تعداد فصل‌های تمدنی	درصد فصل‌های تمدنی
۱	تمدن اسلامی در عصر عباسیان	۱۳۸۳	۹	۸	۸۸,۹٪
۲	نهضت ترجمه در شرق جهان اسلام	۱۳۸۵	۷	۷	۱۰۰٪
۳	جامعه مدینه در عصر نبوی	۱۳۸۴	۱۰	۹	۹۰,۰٪

ادامهٔ جدول ۶ درصد فصل‌های تمدنی در کتاب‌های تاریخ فرهنگ و تمدن (۱۰ عنوان)

ردیف	عنوان کتاب	سال انتشار	تعداد کل فصل‌ها	تعداد فصل‌های تمدنی	درصد فصل‌های تمدنی
۴	تاریخ تشیع (۲): دولت‌ها، خاندان‌ها و آثار علمی	۱۳۸۴	۸	۷	۸۷,۵٪
۵	تاریخ و تمدن مغرب (جلد ۱)	۱۳۸۴	۱۱	۱۰	۹۰,۹٪
۶	هنر در تمدن اسلامی (مبانی نظری)	۱۳۹۶	۸	۸	۱۰۰٪
۷	هنر در تمدن اسلامی (هنرهای صنایع)	۱۳۹۶	۹	۹	۱۰۰٪
۸	مجموعه هنر در تمدن اسلامی: معماری ۱	۱۳۹۷	۷	۷	۱۰۰٪
۹	مجموعه هنر در تمدن اسلامی: معماری ۲	۱۳۹۷	۷	۷	۱۰۰٪
۱۰	مقدمه‌ای بر تاریخ‌نگاری علم	۱۳۹۵	۶	۶	۱۰۰٪
میانگین گروه	-	-	-	-	۹۵,۷٪

تحلیل مقایسه‌ای

نتایج جدول‌های نشان می‌دهد که میانگین درصد فصل‌های تمدنی در کتاب‌های تاریخ عمومی ۲۴,۳٪ و در کتاب‌های تاریخ فرهنگ و تمدن ۹۵,۷٪ است. از نظر توصیفی، تفاوت ۷۱,۴ واحد درصدی مشاهده می‌شود و نشان‌دهنده توزیع نابرابر گفتمان‌ها در دو گونه کتابی است.

نکته قابل توجه، تفاوت درون‌گروهی در کتاب‌های تاریخ عمومی است. میانگین درصد فصل‌های تمدنی در کتاب‌های منتشرشده در دهه ۱۳۸۰ برابر ۲۰,۸٪ و در کتاب‌های منتشرشده در دهه ۱۳۹۰ (کتاب‌های ردیف ۹ و ۱۰) برابر ۳۶,۱٪ است. این افزایش ۱۵,۳ درصدی، نشانه‌ای از گذار تدریجی در گفتمان تاریخ‌نگاری دانشگاهی است؛ هرچند که این گذار هنوز ناقص و محدود به دو کتاب است.

یافته‌های کیفی (مطالعه موردی تطبیقی)

برای درک عمیق‌تر تفاوت گفتمان‌ها، روایت یک دوره تاریخی مشخص در یک کتاب از گونه «تاریخ عمومی» با روایت همان دوره در یکی از کتاب‌های «تاریخ فرهنگ و تمدن» به صورت مطالعه موردی تطبیقی بررسی شد. نمونه‌های تحلیل شده در این مرحله شامل یک کتاب تاریخ عمومی با محوریت سیاسی و کتاب «تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی» (جان احمدی، ۱۳۹۸، ص ۵) یا «تاریخ فرهنگ و تمدن اسلام و ایران» (عباسی، ۱۳۹۳، ص ۱۲) بودند. تحلیل بر اساس شاخص‌هایی مانند نقطه آغاز روایت، شخصیت‌های محوری، الگوی تبیین علل رونق و افول و نسبت دولت و جامعه انجام گرفت (ووداک، ۱۳۸۲، ص ۴۱؛ جهان و همکاران، ۱۴۰۲، ص ۵).

الف) نقطه آغاز روایت

روایت سیاسی، در کتاب‌های تاریخ عمومی، معمولاً با چگونگی به قدرت رسیدن شاه، نبردهای او برای یکپارچه‌سازی ایران، تثبیت قدرت سیاسی و جنگ‌های تعیین کننده آغاز می‌شود؛ یعنی نقطه آغاز، «تغییر حکومت» و «اقدامات نظامی» است (زرگری‌نژاد، ۱۳۹۵، ص ۳؛ مفتخری و زمانی، ۱۳۹۲، ص ۵). در مقابل، در کتاب‌های تاریخ فرهنگ و تمدن، بحث تمدنی اغلب با توصیف اوضاع فرهنگی، مذهبی و اجتماعی ایران در آستانه ظهور آن سلسله و بیان بسترهای فکری و مذهبی شکل‌گیری دولت شروع می‌شود؛ در اینجا، روایت از «زمینه‌های فرهنگی و اعتقادی» آغاز می‌شود و حکومت سیاسی در ادامه و به عنوان نتیجه یا همراه این زمینه‌ها مطرح می‌گردد (جان احمدی، ۱۳۹۸، ص ۵؛ عباسی، ۱۳۹۶، ص ۱۲). این تفاوت در نقطه آغاز، نشان‌دهنده تفاوت بنیادین در زاویه دید روایی دو گفتمان است؛ یکی تاریخ را از «بالا» و از منظر دولت و قدرت آغاز می‌کند و دیگری از «پایین» و از منظر جامعه و فرهنگ.

ب) شخصیت‌های محوری و کانون توجه

شخصیت‌های محوری، در روایت‌های سیاسی کتاب‌های عمومی، شاهان و نخبگان سیاسی‌اند. «شاه اسماعیل» و «شاه عباس» به عنوان قهرمانان اصلی و میدان‌های نبرد، فتوحات و قراردادهای صحنه روایت محسوب می‌شود (زرگری‌نژاد، ۱۳۹۵، ص ۴۵؛ مفتخری و زمانی، ۱۳۹۲، ص ۷۸). در حالی که در روایت کتاب‌های تمدنی، هرچند به شاهان نیز

اشاره می‌شود، اما مرکز ثقل روایت بر نهادها و کنشگران اجتماعی و فرهنگی است؛ مدارس دینی و علمی، علما و فقها، صوفیان، هنرمندان، معماران، بازرگانان و شبکه‌های تجاری و شهرهایی چون اصفهان به عنوان کانون‌های تمدنی است (جان احمدی، ۱۳۹۸، ص ۶۵؛ عباسی، ۱۳۹۳، ص ۸۹). در نتیجه، خواننده در کتاب‌های تمدنی با چهره‌ای مواجه می‌شود که در آن حاکم نه فقط «دولتی مقتدر»، بلکه «دوره‌ای از شکوفایی علمی، هنری و شهری» است؛ تعبیری که با رویکردهای جدید در تاریخ‌نگاری تمدنی هم‌سوست (Apple, Frostig, 2018, p. 78; 2018, p. 56).

ج) الگوی تبیین علل رونق و افول

در روایت‌های سیاسی، علل رونق حکومت عمدتاً به شایستگی‌های نظامی و سیاسی شاهان، توانایی آن‌ها در ایجاد نظم، سرکوب رقبا و تنظیم روابط خارجی نسبت داده می‌شود و افول نیز بیشتر به ضعف جانشینان، نزاع‌های درباری و شکست‌های نظامی مرتبط می‌شود (زرگری‌نژاد، ۱۳۹۵، ص ۱۲۸؛ زرین کوب و زرین کوب، ۱۴۰۱، ص ۸۵). در روایت‌های تمدنی، اگرچه نقش ثبات سیاسی انکار نمی‌شود، اما رونق دولت به مجموعه‌ای از عوامل ساختاری و بلندمدت مانند تثبیت مذهب، شکل‌گیری شبکه‌های آموزشی، رونق بازرگانی، توسعه شهرها، جذب هنرمندان و معماران و تعاملات فرهنگی فرامرزی نسبت داده می‌شود؛ افول نیز نه فقط به بحران‌های سیاسی، بلکه به فرسایش تدریجی نهادهای اقتصادی و فرهنگی و تغییر مسیرهای تجاری و فشار رقبا در سطح نظام جهانی پیوند می‌خورد (جان احمدی، ۱۳۹۸، ص ۱۰۲؛ عباسی، ۱۳۹۳، ص ۱۱۵؛ ووداک، ۱۳۸۲، ص ۴۸). این‌جابه‌جایی در الگوی تبیین، یکی از کلیدی‌ترین نشانه‌های تحول از گفتمان تاریخ سیاسی به تاریخ تمدنی است.

به طور کلی، مطالعه موردی تطبیقی نشان می‌دهد که یک دوره تاریخی واحد، در دو نوع کتاب متفاوت، به دو «روایت» کمابیش متمایز تبدیل می‌شود؛ روایتی «دولت‌محور و رویدادنگار» در کتاب‌های عمومی و روایتی «جامعه‌محور و فرآیندنگار» در کتاب‌های تمدنی. این یافته با نتایج پژوهش‌هایی است که نقش کتاب‌های دانشگاهی در بازنمایی ایدئولوژی و راهبردهای ایدئولوژیک در روایت تاریخ ایران را بررسی کرده‌اند، هم‌سو است (صیامیان و طاهرزاده، ۱۴۰۲، صص ۱۶۳-۱۹۳؛ طاهرزاده و همکاران، ۱۳۹۸، صص ۴۹-۷۵).

واحد تحلیل در این پژوهش «فصل» بوده است، نه «صفحه». بدین معنا که فهرست فصل‌های هر کتاب استخراج و بر اساس عنوان فصل، تعلق آن به گفتمان سیاسی یا تمدنی تعیین شده است. در کتاب‌های تاریخ عمومی قدیمی‌تر، اغلب فصل مستقلی با عنوان صریح تمدنی وجود ندارد و مباحث تمدنی (در صورت وجود) به صورت پراکنده و در حاشیه فصل‌های سیاسی مطرح شده‌اند. این وضعیت خود یکی از مهم‌ترین یافته‌های پژوهش در تأیید غلبه گفتمان سیاسی بر این متون است.

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف تحلیل گفتمان تاریخ‌نگاری در کتاب‌های دانشگاهی تاریخ ایران و واکاوی روند گذار از گفتمان مسلط «تاریخ سیاسی» به «تاریخ تمدنی» انجام شد. ترکیب روش‌های کمی و کیفی در تحلیل ساختار فصل‌ها، فراوانی واژگان کلیدی و الگوهای روایی کتاب‌ها، امکان ارائه تصویری چندبعدی از وضعیت کنونی تاریخ‌نگاری دانشگاهی را فراهم کرد. یافته‌ها نشان می‌دهد که اگرچه گفتمان تاریخ سیاسی همچنان در بسیاری از کتاب‌های «تاریخ عمومی» جایگاهی برجسته دارد، اما نشانه‌های روشنی از رشد و نفوذ گفتمان تاریخ تمدنی در ساختار و محتوای متون دانشگاهی قابل مشاهده است؛ وضعیتی که می‌توان آن را گذار ناقص، اما رو به رشد نامید.

مقایسه با مطالعات مشابه

یافته‌های این پژوهش با مطالعات بین‌المللی درباره تحول کتاب‌های درسی تاریخ همسوست. فراستیگ (Frostig, 2018, p. 52) نشان داد کتاب‌های تاریخ اروپایی نیز از روایت سیاسی-ملی به سوی تاریخ اجتماعی-فرهنگی گرایش یافته‌اند. اپل (Apple, 2018, p. 34) تأکید می‌کند که این تحول، بازتاب تغییر در «رژیم‌های حقیقت» مسلط است. در سطح داخلی، یافته‌ها با نتایج تریان و آزاد (۱۳۹۴، ص ۱۳۵) که تغییر گفتمان در کتاب‌های مدرسه‌ای را نشان دادند، هماهنگ است. اما پژوهش حاضر نشان می‌دهد این تحول در سطح دانشگاه «تدریجی‌تر و ناقص‌تر» بوده است.

پژوهش حاضر در مقایسه با مطالعات پیشین، از چند جهت دارای نوآوری است که در ادامه به تفکیک تشریح می‌شود:

این پژوهش با ترکیب همزمان تحلیل کمی و کیفی در چارچوب گفتمان، استفاده از کتاب مآخذشناسی به عنوان شاهد بیرونی و از منظر کمی، افزایش سهم فصل‌های دارای رویکرد تمدنی در کتاب‌های تاریخ عمومی جدیدتر در مقایسه با آثار قدیمی‌تر، همراه با غلبه چشمگیر فصل‌های تمدنی در کتاب‌های تاریخ فرهنگ و تمدن، نشان می‌دهد منطق فصل‌بندی و سازمان‌دهی مطالب در حال فاصله گرفتن از انحصار روایت‌های صرفاً سیاسی است. این تغییر با یافته‌های پژوهش‌های بین‌المللی درباره تحول در کتاب‌های درسی تاریخ همسوست؛ مباحثی که، بیش از گذشته بر ابعاد اجتماعی، فرهنگی و روزمره تاریخ تأکید می‌کنند (Frostig, 2018, p. 56؛ فرکلاف، ۱۳۷۹، ص ۴۵). از منظر واژگانی نیز، جابه‌جایی نسبت فراوانی واژگان سیاسی و تمدنی به نفع واژگان تمدنی در کتاب‌های گونه «تاریخ فرهنگ و تمدن»، نشانه روشن دیگری از این تحول گفتمانی است.

در سطح کیفی و روایی، تفاوت در نقطه آغاز روایت، شخصیت‌های محوری و الگوهای تبیین در دو گونه کتابی، به خوبی نشان می‌دهد که دو گفتمان سیاسی و تمدنی نه فقط در سطح محتوا، بلکه در سطح «نحوه دیدن و روایت گذشته» با یکدیگر اختلاف دارند. روایت تاریخ از «بالا» و از منظر دولت و نخبگان سیاسی، که در کتاب‌های عمومی غلبه دارد، در کتاب‌های تمدنی جای خود را تا حد زیادی به روایتی «از پایین» و جامعه‌محور می‌دهد که در آن، نهادهای علمی و آموزشی، شبکه‌های اقتصادی، فضاهای شهری، تولیدات هنری و تجربه زیسته گروه‌های مختلف اجتماعی در کانون توجه قرار می‌گیرد (جان احمدی، ۱۳۹۸، ص ۶۵؛ عباسی، ۱۳۹۳، ص ۸۹). این دگرگونی، با رویکردهای نظری تحلیل گفتمان تاریخی که بر نقش زبان و روایت در مشروعیت‌بخشی به انواع خاصی از دانش تاریخی و هویت‌های جمعی تأکید دارند، همخوانی دارد (ووداک، ۱۳۸۲، ص ۴۱؛ فرکلاف، ۱۳۷۹، ص ۵۲).

تحلیل کتاب «مآخذشناسی تاریخ اسلامی» نیز نشان داد که در بدنه پژوهش‌های معاصر تاریخ اسلامی، سهم موضوعات مرتبط با تاریخ علوم، فرهنگ، هنر و آموزش از حیث تعداد آثار، بر موضوعات کلاسیک تاریخ سیاسی پیشی گرفته‌است. این هم‌سویی نسبی میان جهت‌گیری متون درسی و گرایش‌های پژوهشی، مؤید آن است که تحول به سوی گفتمان تاریخ تمدنی، پدیده‌ای صرفاً آموزشی نیست، بلکه در سطح تولید دانش و اولویت‌های پژوهشی جامعه علمی نیز در حال شکل‌گیری است. از منظر نظریه دگرگونی گفتمانی، می‌توان این وضعیت را به منزله لحظه‌ای دانست که در آن، گفتمان مسلط تاریخ

سیاسی با افزایش ناهنجاری‌ها (ناتوانی در توضیح ابعاد تمدنی و زیرساختی تاریخ) مواجه شده و گفتمان رقیب تاریخ تمدنی در حال کسب مشروعیت بیشتر است، هرچند هنوز قواعد بازی را به‌طور کامل دگرگون نکرده است (کوهن، ۱۳۹۸، ص ۶۷).

با این حال، شواهد موجود نشان می‌دهد که این گذار هنوز «ناقص» است. در بسیاری از کتاب‌های تاریخ عمومی، مؤلفه‌های تمدنی به‌صورت فصل‌ها یا بندهایی مجزا و تا حدی الحاقی مطرح می‌شوند و در تاروپود روایت اصلی، که همچنان سیاسی و دولت‌محور است، حل نشده‌اند. حتی در مواردی که سهم فصل‌های تمدنی افزایش یافته، ساختار کلی روایت، چینش دوره‌ها و انتخاب نقطه‌های عطف تاریخی، بر مدار همان منطق سلسله‌ها و تحولات قدرت باقی مانده است.

به نظر می‌رسد این «گذار ناقص» را می‌توان با عواملی چند تبیین کرد:

۱. مقاومت ساختاری: سرفصل‌های مصوب و سنت دیرپای آموزش تاریخ در دانشگاه‌ها که بر محور رویدادهای سیاسی و سلسله‌ها استوار است.
۲. هژمونی گفتمان سیاسی: غلبه روایت سیاسی از تاریخ در رسانه‌ها، فضای عمومی و حتی ذهنیت بسیاری از مؤلفان که تغییر آن نیازمند زمان است.
۳. چالش‌های روشی: دشواری تلفیق روایت سیاسی و تمدنی در ساختاری منسجم، بدون افت کیفیت تحلیل هر یک.

این تحول گفتمانی، در صورت تداوم و تکمیل، می‌تواند پیامدهای شگرفی داشته باشد: (۱) تغییر در هویت علمی: تقویت هویت «تمدن‌ساز» به جای «قدرت‌محور» در میان دانشجویان؛ (۲) تغییر در اولویت‌های پژوهشی: جهت‌گیری مطالعات تاریخی به سمت تاریخ علم، فرهنگ و نهادهای اجتماعی و (۳) بازتعریف قدرت ملی: ترویج این انگاره که «قدرت» یک ملت تنها در توان نظامی-سیاسی آن نیست، بلکه در عظمت تمدنی، تاب‌آوری نهادهای اجتماعی و عمق دستاوردهای فرهنگی-علمی آن ریشه دارد.

یافته‌های این پژوهش به خوبی با چارچوب نظری مقاله مطابقت دارد. از منظر نظریه دگرگونی گفتمانی، همزیستی و رقابت این دو گفتمان، نشانه «بحران» در گفتمان مسلط (تاریخ سیاسی) و ظهور «ناهنجاری»‌هایی است که گفتمان قدیم قادر به توضیح قانع‌کننده آن‌ها (مانند نقش زیرساخت‌های تمدنی در تداوم ملت‌ها) نیست. از منظر فرکلاف نیز، کتاب درسی به عنوان یک «متن گفتمانی»، عرصه کشمکش برای بازتولید یا به چالش کشیدن «رژیم حقیقت» مسلط است و تلاش گفتمان تمدنی برای کسب مشروعیت،

نمونه‌ای از این کشمکش است. به بیان دیگر، گفتمان تمدنی در سطح «افزوده»‌ها و تکمیل‌کننده‌ها حضور یافته، اما هنوز به جایگاه «چارچوب مسلط روایت» دست نیافته است؛ وضعیتی که با تعبیر «گذار گفتمانی نیمه‌تمام» قابل توضیح است (Apple, 2018, p. 78)؛ (Frostig, 2018, p. 92).

نتایج پژوهش حاضر را می‌توان با یافته‌های مطالعاتی که در سطح مدارس، به تحلیل گفتمان کتاب‌های درسی تاریخ و بازنمایی هویت ملی، ناسیونالیسم و ایدئولوژی در این متون پرداخته‌اند، هم‌سو دانست. آن مطالعات نشان داده‌اند که تغییر در زبان و ساختار کتاب‌های درسی می‌تواند بیانگر تغییر در گفتمان‌های مسلط سیاسی و هویتی باشد (تریان و آزاد، ۱۳۹۴، ص ۱۳۵؛ فرامرزی و همکاران، ۱۴۰۰، ص ۷۸). پژوهش حاضر این بحث را به سطح دانشگاه بسط می‌دهد و نشان می‌دهد که کتاب‌های دانشگاهی تاریخ نیز نه فقط ابزار آموزش خنثی، بلکه میدانی برای کشاکش گفتمان‌های رقیب درباره گذشته ایران و جهان اسلام‌اند؛ گفتمان‌هایی که پیامدهای مستقیمی برای شکل‌گیری هویت علمی و تمدنی دانشجویان دارند (راستی و رزمجو، ۱۴۰۳، صص ۹۳-۱۱۵؛ زندی، ۱۴۰۳، ص ۳۴۸).

پیشنهادهای کاربردی

بر پایه یافته‌های این پژوهش در ارتقای کیفیت کتاب‌های دانشگاهی، پیشنهادها زیر قابل طرح است:

۱. بازتألیف تلفیقی کتاب‌های «تاریخ عمومی»

پیشنهاد می‌شود در بازتألیف کتاب‌های تاریخ عمومی، مؤلفه‌های تمدنی نه به صورت فصل‌هایی جداگانه و ضمیمه‌وار، بلکه به صورت درون‌متنی و تلفیقی در متن روایت سیاسی گنجانده شوند. به عنوان نمونه، در فصل مربوط به یک سلسله، در کنار شرح رویدادهای سیاسی و نظامی، به طور هم‌زمان به تحولات علمی، فرهنگی، اقتصادی، هنری و نهادهای اجتماعی آن عصر پرداخته شود به گونه‌ای که دانشجوی تاریخ یک دوره را در پیوند هم‌زمان ساختارهای قدرت و فرآیندهای تمدنی درک کند.

۲. طراحی واحد درسی «مبانی تاریخ تمدن ایران و اسلام»

با توجه به گسترش پژوهش‌ها در حوزه تاریخ علوم، فرهنگ و تمدن و نیاز به تقویت هویت تمدنی در میان دانشجویان، پیشنهاد می‌شود واحد درسی مستقلی با عنوان «مبانی

تاریخ تمدن ایران و اسلام» برای رشته‌های تاریخ و سایر رشته‌های علوم انسانی طراحی و به صورت اجباری در برنامه درسی گنجانده شود. چنین درسی می‌تواند ضمن ارائه چارچوبی نظری برای فهم تاریخ تمدنی، دانشجویان را با دستاوردهای علمی، فرهنگی و نهادی تمدن ایرانی-اسلامی در دوره‌های مختلف آشنا کند.

۳. تدوین شاخص‌های گفتمان‌محور در ارزیابی کتاب‌های درسی دانشگاهی

هیئت‌های داوری و شوراهای برنامه‌ریزی درسی که به ارزیابی و تصویب کتاب‌های دانشگاهی تاریخ می‌پردازند، می‌توانند علاوه بر شاخص‌های متداول آموزشی و شکلی، معیارهایی گفتمان‌محور را نیز در نظر بگیرند؛ برای مثال، میزان توازن میان مؤلفه‌های سیاسی و تمدنی، حضور یا غیاب نهادهای علمی و فرهنگی، نحوه بازنمایی جامعه و گروه‌های اجتماعی مختلف و تنوع زاویه دید در روایت تاریخ. این معیارها می‌تواند در قالب چک‌لیست‌های ارزیابی کتاب درسی، به‌ویژه در حوزه تاریخ، وارد شود و به ارتقای کیفیت گفتمانی متون کمک کند.

۴. تشویق پژوهش‌های بینارشته‌ای و مقایسه‌ای

با توجه به ظرفیت بالای رویکرد تحلیل گفتمان در مطالعه کتاب‌های درسی و متون دانشگاهی، پیشنهاد می‌شود پژوهش‌های بیشتری در قالب طرح‌های بینارشته‌ای (میان تاریخ، علوم تربیتی، زبان‌شناسی و مطالعات فرهنگی) به مقایسه گفتمان‌های تاریخ‌نگاری در کتاب‌های دانشگاهی رشته‌های مختلف (تاریخ، علوم سیاسی، جامعه‌شناسی، مطالعات فرهنگی) بپردازند. همچنین، مطالعات تطبیقی میان ایران و سایر کشورها در زمینه گفتمان تاریخ تمدنی در متون دانشگاهی می‌تواند به غنای نظری این حوزه بیفزاید.

محدودیت‌های پژوهش و پیشنهاد برای تحقیقات آینده

این پژوهش، علی‌رغم تلاش برای طراحی روشی تلفیقی و انتخاب نمونه‌هایی نماینده، با چند محدودیت روبه‌رو بوده‌است که توجه به آن‌ها در تفسیر نتایج و طراحی مطالعات آینده ضروری است:

۱. محدودیت دامنه متون و زبان

نمونه پژوهش محدود به کتاب‌های دانشگاهی چاپ‌شده به زبان فارسی و عمدتاً منتشرشده توسط ناشران ایرانی بوده‌است. در نتیجه، کتاب‌های درسی تاریخ به زبان‌های دیگر

(انگلیسی، عربی و...) که ممکن است در دانشگاه‌های ایران یا در محیط‌های دانشگاهی خارج از کشور استفاده شود، در تحلیل حاضر لحاظ نشده‌اند. همچنین، سایر اجزای بسته آموزشی مانند راهنماهای تدریس، اسلایدهای درسی و محتوای الکترونیکی نیز به دلایل عملی خارج از دامنه پژوهش قرار گرفته‌است.

۲. تمرکز بر متن و غفلت از فرایند تدریس

تحلیل انجام‌شده صرفاً بر کتاب‌های درسی متمرکز بوده‌است و نحوه تدریس این کتاب‌ها در کلاس، تفسیرهای مدرسین و واکنش‌های دانشجویان را در بر نمی‌گیرد. در حالی که بر اساس ادبیات آموزش تاریخ، آنچه در کلاس درس رخ می‌دهد ممکن است گفتمان متن را بازتولید، تقویت یا حتی تا حدی خنثی و معکوس کند. پژوهش‌های آینده می‌توانند با روش‌های کیفی مانند مشاهده کلاس، مصاحبه با اساتید و دانشجویان و تحلیل تعاملات آموزشی، به این بعد مهم بپردازند.

۳. محدودیت زمانی و تحولات آتی

بازه زمانی مورد مطالعه، دو دهه اخیر است و با توجه به پویایی گفتمان‌ها و تحولات پی‌درپی در سیاست‌های آموزشی و فرهنگی، ممکن است در سال‌های آینده دگرگونی‌های دیگری در گفتمان تاریخ‌نگاری دانشگاهی رخ دهد. به همین دلیل، تکرار مطالعات مشابه در فواصل زمانی معین، برای رصد روندهای بلندمدت و تشخیص تثبیت یا تغییر مسیر گفتمان‌ها ضرورت دارد.

با در نظر گرفتن این محدودیت‌ها، پژوهش‌های آینده می‌توانند: دامنه متون مورد بررسی را به کتاب‌های الکترونیکی، منابع کمک آموزشی و متون غیردرسی مورد استفاده در کلاس‌های تاریخ گسترش دهند یا به‌طور خاص، تأثیر این تحول گفتمانی بر نگرش تاریخی، هویت علمی و تلقی دانشجویان از «ایران» و «تمدن ایرانی - اسلامی» را با استفاده از پرسشنامه‌ها و مصاحبه‌های عمیق بررسی کنند و با کاربست الگوهای تحلیل گفتمان تاریخی (مانند مدل روث و داک)، به مطالعه تطبیقی گفتمان‌های تاریخ‌نگاری در کتاب‌های دانشگاهی دوره‌های مختلف یا کشورهای مختلف بپردازند.

فهرست منابع و مآخذ

کتاب

- ابن ادریس، عبدالله عبدالعزیز (۱۳۸۴). *جامعه مدینه در عصر نبوی*. ترجمه بختیاری، چاپ ۴، تهران: سمت، ۲۸۰ ص.
- احمدی منش، محمد (۱۳۹۷). *فراز و فرود عباسیان (۱۳۲-۳۳۴ ق)*. چاپ ۲، تهران: سمت، ۲۳۲ ص.
- باقریان، زهره. (۱۴۰۳). *کاربست تحلیل گفتمان انتقادی در پژوهش تاریخی*. تهران: لوگوس.
- بیانی، شیرین (۱۳۷۹). *مغولان و حکومت ایلخانی در ایران*. چاپ ۱۶، تهران: سمت، ۴۰۸ ص.
- جان احمدی، فاطمه. (۱۳۹۸). *تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی*. تهران: معارف.
- جمیلی، رشید (۱۳۸۵). *نهضت ترجمه در شرق جهان اسلام در قرن سوم و چهارم هجری*. ترجمه صادق آیینوند، چاپ ۳، تهران: سمت، ۲۵۶ ص.
- حریریان، محمود؛ ملک شه میرزادی، صادق؛ آموزگار، ژاله و میرسعیدی، نادر. (۱۳۹۸). *تاریخ ایران باستان (جلد ۱)*. تهران: سمت.
- خضری، سیداحمد رضا (زیر نظر) (۱۳۸۴). *تاریخ تشیع (۲): دولت‌ها، خاندان‌ها و آثار علمی فرهنگی شیعه*. چاپ ۸، تهران: سمت، ۲۶۸ ص.
- خلعتبری، اللهیار و شرفی، محبوبه (۱۳۸۰). *تاریخ خوارزمشاهیان*. چاپ ۱۵، تهران: سمت، ۲۶۴ ص.
- ریبی، هادی (زیر نظر) (۱۳۹۶). *هنر در تمدن اسلامی (مبانی نظری)*. چاپ ۳، تهران: سمت، ۲۹۶ ص.
- رهبری، عباس. (۱۳۹۸). *مآخذ شناسی تاریخ اسلامی*. تهران: دانش بنیان فوزی.
- زرگری نژاد، غلامحسین (۱۳۹۵). *تاریخ ایران در دوره قاجاریه: عصر آقا محمدخان*. چاپ ۳، تهران: سمت، ۵۱۶ ص.
- زرین کوب، عبدالحسین؛ و زرین کوب، روزبه. (۱۴۰۱). *تاریخ ایران باستان (۴)، تاریخ سیاسی ساسانیان*. تهران: سمت.
- ستارزاده، ملیحه (۱۳۸۴). *سلجوقیان*. چاپ ۱۲، تهران: سمت، ۲۴۰ ص.
- عباسی، علی اکبر. (۱۳۹۳). *تاریخ فرهنگ و تمدن اسلام و ایران*. تهران: هزاره ققنوس (جهاد دانشگاهی).
- عطارزاده، عبدالکریم و هوشیار، مهران (زیر نظر) (۱۳۹۶). *هنر در تمدن اسلامی (هنرهای صنایع)*. چاپ ۳، تهران: سمت، ۳۴۸ ص.
- فروزانی، سیدابوالقاسم (۱۳۸۱). *تاریخ تحولات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایران در دوره سامانیان*. چاپ ۱۱، تهران: سمت، ۲۳۲ ص.
- فروزانی، سیدابوالقاسم (۱۳۸۴). *غزنویان: از پیدایش تا فروپاشی*. چاپ ۱۳، تهران: سمت، ۲۰۸ ص.
- فرکلاف، نورمن. (۱۳۷۹). *تحلیل گفتمان انتقادی*. ترجمه ی گروه مترجمان. تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها.
- قیومی بیدهدنی، مهرداد (۱۳۹۷). *مجموعه هنر در تمدن اسلامی: معماری ۱*. چاپ ۲، تهران: سمت، ۲۸۴ ص.
- قیومی بیدهدنی، مهرداد (۱۳۹۷). *مجموعه هنر در تمدن اسلامی: معماری ۲*. چاپ ۲، تهران: سمت، ۳۱۲ ص.

- کراک، هلگه (۱۳۹۵). *مقدمه‌ای بر تاریخ‌نگاری علم*. ترجمه محمدابراهیم باسط، چاپ ۲، تهران: سمت، ۱۹۲ ص.
- کوهن، توماس. (۱۳۹۸). *ساختار انقلاب‌های علمی*. ترجمه‌ی سعید زیباکلام. تهران: سمت.
- مفتخری، حسین؛ و زمانی، حسین. (۱۳۹۲). *تاریخ ایران از ورود مسلمانان تا پایان طاهریان*. تهران: سمت.
- مکی، محمدکاظم (۱۳۸۳). *تمدن اسلامی در عصر عباسیان*. ترجمه محمد سپهری، چاپ ۵، تهران: سمت، ۳۱۲ ص.
- مونس، حسین (۱۳۸۴). *تاریخ و تمدن مغرب (۳ جلد)*. ترجمه عطاءالله شیخی، چاپ ۳، تهران: سمت، ۱۰۳۴ ص.
- میرجعفری، حسین (۱۳۷۹). *تاریخ تحولات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایران در دوره تیموریان و ترکمانان*. چاپ ۱۳، تهران: سمت، ۲۸۸ ص.
- نوابی، عبدالحسین و غفاری‌فرد، عباسقلی (۱۳۸۱). *تاریخ تحولات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایران در دوران صفویه*. چاپ ۱۴، تهران: سمت، ۳۲۶ ص.
- ولایتی، علی اکبر. (۱۳۸۶). *فرهنگ و تمدن اسلامی*. تهران: معارف.
- ووداک، روث. (۱۳۸۲). *روش‌های تحلیل گفتمان انتقادی*. ترجمه‌ی محمدتقی تقوی‌فرد. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

مقاله مجله تخصصی

- بابائی، مظهر؛ و زارع رمشتی، اسرا. (۱۴۰۲). چالش‌ها و راهکارهای دروس عمومی دانشگاه فرهنگیان با تأکید بر کتاب‌های درسی از نظر دانشجویان. *پژوهش و نگارش کتب دانشگاهی*، ۲۷(۵۳)، ۱۷۴-۲۰۴.
- تریان، امین؛ و آزاد، حمید. (۱۳۹۴). تحلیل گفتمان روایت جنبش مشروطه در کتاب‌های درسی تاریخ (دوره پهلوی و پس از انقلاب اسلامی). *پژوهش‌های تاریخی*، ۱۷(۱)، ۱۲۱-۱۴۰.
- جهان، جواد؛ میرزا محمدی، محمد حسن؛ و رهنما، اکبر. (۱۴۰۲). تحلیل محتوای کفایت اجتماعی فلنر در کتاب پنج رساله‌ی افلاطون (شجاعت، دوستی، ایون، پروتاگوراس، مهمانی). *پژوهش و نگارش کتب دانشگاهی*، ۲۷(۵۲)، ۱-۳۵.
- راستی، علیرضا؛ و رزمجو، سید آیت اله. (۱۴۰۳). کتب دانشگاهی روش پژوهش به مثابه ابزار جامعه‌پذیری دانشجویان نسبت به اصول اخلاقی: مطالعه موردی تطبیقی. *پژوهش و نگارش کتب دانشگاهی*، ۲۸(۵۵)، ۹۳-۱۱۵.
- رحیمی‌نژاد، ویدا. (۱۴۰۳). ارزیابی و نقد کتاب «پژوهش‌نگاری دانشگاهی: منبعی جامع برای نگارش پژوهش و انتشار آن». *پژوهش و نگارش کتب دانشگاهی*، ۲۸(۵۵)، ۱۸۹-۲۱۵.
- زندی، طالب. (۱۴۰۳). معیارهای ارزشیابی کتاب درسی دانشگاهی الکترونیکی اثربخش. *پژوهش و نگارش کتب دانشگاهی*، ۲۸(۵۵)، ۳۴۷-۳۷۲.
- صیامیان، زهیر؛ و طاهرزاده، مریم. (۱۴۰۲). بازنمایی ایدئولوژی در کتاب‌های آموزشی دانشگاهی تاریخ ایران. *تاریخ‌نگری و تاریخ‌نگاری*، ۳۳(۳۱)، ۱۶۳-۱۹۳.

- طاهرزاده، مریم؛ ابوالحسنی چیمه، زهرا؛ و صیامیان گرجی، زهیر. (۱۳۹۸). بازیابی راهبردهای ایدئولوژیک در گفتمان کتاب‌های دانشگاهی، مطالعه کتاب‌های تاریخ ایران دوره میانه. پژوهش و نگارش کتب دانشگاهی، ۲۳(۴۴)، ۴۹-۷۵.
- طاهرزاده، مریم؛ ابوالحسنی چیمه، زهرا؛ و صیامیان گرجی، زهیر. (۱۴۰۰). بازنمایی نقش‌های جنسیتی در کتاب‌های تاریخ دانشگاهی ایران دوره میانه بر مبنای رویکرد تحلیل گفتمان وندایک. نقد و نظریه ادبی، ۶(۱)، ۱۳۵-۱۵۸.
- فانیدپور، حسن؛ و آبیاری، زهرا. (۱۴۰۲). شناسایی مؤلفه‌های مؤثر در طراحی محیط آموزش مجازی دوره تربیت تدوینگری متون درسی مبتنی بر تجربه زیسته اساتید کارآموز. پژوهش و نگارش کتب دانشگاهی، ۲۷(۵۳)، ۸۵-۱۱۸.
- فرامرزی، اعظم؛ کلهر، محمد؛ و خدری زاده، علی اکبر. (۱۴۰۰). ترویج آموزه‌ها و مفاهیم ملی در محتوای کتاب‌های درسی تاریخ در عصر پهلوی دوم کاربرست نظریه تحلیل گفتمان تاریخی روٹ وداک. پژوهش‌های تاریخی، ۱۳(۴)، ۷۷-۹۲.
- مازندرانی، امیرعلی؛ تقدمی، محمدشاهین؛ و آرمنند، محمد. (۱۴۰۲). انتقال‌پذیری استانداردهای کتاب درسی دانشگاهی به محتواهای یادگیری الکترونیکی: دیدگاه مدرسان دانشگاه. پژوهش و نگارش کتب دانشگاهی، ۲۷(۵۲)، ۱۱۶-۱۴۲.
- معتمدی، اسفندیار. (۱۳۹۱). بررسی تاریخ تحولات کتاب‌های درسی مدارس در ایران (۱۲۳۰-۱۳۹۰ ه.ش). پژوهش و نگارش کتب دانشگاهی، ۱۶(۲۵)، ۱۱۱-۱۳۱.
- معلمان، محمدرضا؛ سهراب یزدانی مقدم؛ داریوش رحمانیان کوشککی؛ و حسنی، عطاءالله. (۱۴۰۰). تحلیل گفتمان ناسیونالیسم اقتدارگرا در کتاب‌های درسی تاریخ (۱۳۲۰-۱۳۰۴ ه.ش). مطالعات تاریخ فرهنگی، ۱۳(۴۹)، ۱۲۴-۱۵۱.

کتب انگلیسی

- Apple, Michael W. (2018). *Ideology and Curriculum*. New York: Routledge. (pp. 34-102).
- Braun, V., & Clarke, V. (2006). Using thematic analysis in psychology. *Qualitative Research in Psychology*, 3(2), 77-101.
- Fairclough, N. (1995). *Critical Discourse Analysis: The Critical Study of Language*. London: Longman. (pp. 56-78).
- Frostig, Y. (2018). *History Textbooks in Europe: From National Narrative to Social History*. Paris: UNESCO Publishing. (pp. 45-92).
- Wodak, R. (2001). The discourse-historical approach. In R. Wodak & M. Meyer (Eds.), *Methods of Critical Discourse Analysis* (pp. 63-94). London: Sage. (pp. 34-41).